

«دین فهمی» و «دین باوری»

جواد هنرور

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوی

چکیده

انسانها در طول تاریخ همواره نسبت به امور دینی کنجکاو بوده‌اند و به همین دلیل، تحقیقات گوناگونی در ابعاد مختلف دین صورت گرفته است. امروزه ما شاهد تحولی اساسی در پاسخ به شبهات دینی در محافل علمی مغرب زمین هستیم. پژوهشهای اخیر نشانگر این است که دین از قدیمی‌ترین باورهای بشر بوده و اعتقادات دینی در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر از بین نرفته است. تصریح دانشمندان و مورخان بزرگ بر این امر مهم و تأکید قرآن کریم بر اصل "فطرت" در تشریح آیین یکتاپرستی دلیلی بر این مدعاست. هدف از مباحث دینی "ایجاد" اعتقاد به خدا و دین در انسان نیست بلکه هدف اساسی و نهایی "فرهنگی گهر جان"، توجه عمیق انسان به خدا و دین و تعمیق بینش مذهبی در جوامع بشری است. از این رو این پرسش، بجا و منطقی خواهد بود که چگونه می‌توان در جامعه "علم" را به "ایمان" و سپس به "عمل" تبدیل، و "دین فهمی" را منتهی به "دین باوری" کرد.

در این مقاله، موانع و رویکردهای عملی به این موضوع از جنبه‌های مختلف به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

- ۱- کشف علل و عوامل ضعف و سستی ایمان و گرایشهای دینی در عصر جدید ۲- توجه به تفاوتها در رشد استعدادهای ذهنی و روانی و اطلاعات و تجربیات و موقعیتهای اجتماعی و فرهنگی ۳- قدرت پاسخگویی معقول و منطقی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی به پرسشهای دینی ۴- توجه به ادبیات خاص دین ۵- پرورش همه‌جانبه ابعاد وجودی انسان ۶- تلفیق علم و عمل ۷- تصحیح و توضیح مفاهیم و عقاید دینی و ارائه نظام منسجم توحیدی ۸- دفع نظریات معارض.

مقدمه

انسانها در طول تاریخ، همواره نسبت به امور دینی کنجکاو بوده‌اند. مطالعات مردم‌شناسی، باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که تحقیقات گوناگونی در ابعاد و زوایای مختلف دین صورت گرفته است. در قرون اخیر ما شاهد تحولی بنیادین و گسترده در پاسخ به شبهات دینی در محافل علمی مغرب زمین بوده‌ایم. پژوهشهای اخیر دانشمندان نشان می‌دهد که دین یکی از قدیمی‌ترین باورهای بشر بوده و بشر در هیچ دوره‌ای بدون اعتقاد دینی - در مظاهر و صورتهای مختلف آن - نبوده است.

رابرت. ا. هیوم می‌نویسد: «در تاریخ بشر هرگز حتی قبیله‌ای وجود نداشته که به گونه‌ای دین نداشته باشد».^(۱)

ویل دورانت می‌نویسد: «کاهن دین را ایجاد نکرده است بلکه همانگونه که مرد سیاسی از تمایلات فطری بشر استفاده می‌کند، وی نیز برای مقاصد خود مورد استفاده قرار داده است. عقیده به دین اختراع معابد نیست بلکه سازنده آن، فطرت انسان است».^(۲)

مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد: «از نظر فلاسفه الهی و روانشناسان دین باور، سرچشمه دین‌گرایی انسان، عقل و فطرت اوست. زیرا بشر در نخستین مراحل آگاهی خویش از واقعیت خود و اشیای پیرامون خود آگاه می‌شود و رابطه خود را با اشیا و رابطه میان اشیا درک می‌کند و این ادراک اندیشه نیازمندی عمومی واقعیتهایی را که شناخته است پدید می‌آورد و از این رهگذر ذهن او متوجه موجودی می‌شود که برآورنده نیاز سایر موجودات است».^(۳)

قرآن کریم در تشریح آیین یکتاپرستی بر اصل "فطرت" تأکید می‌کند و می‌فرماید: «فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین التیم ولکن اکثر الناس لا یعلمون»^(۴) قلب و ذهن خود را متوجه دین و آیین پاک توحیدی بدار. خداوند ذات و فطرت بشر را سرشار از عشق الهی و خداپرستی خلق فرموده است و هیچ دگرگونی در آفرینش الهی وجود ندارد. این دین توحیدی، پایدار و

ابدی است اما بیشتر مردم به این حقیقت بزرگ، دانایی ندارند. بنا بر این تنها هدف اساسی مباحث دینی ایجاد اعتقاد به خدا و گرایش به دین در انسانها نیست. زیرا فطرت خداشناسی و دین‌گرایی به عنوان نیرومندترین محرک داخلی و گوهر جان آدمی در نهاد بشر نهفته است. هدف عمده مباحث دینی در جهان معاصر هدایت، تقویت، تشویق شایسته این تمایل فطری، فربه نمودن این گوهر جان، توجه عمیق انسانها به خدا و دین و ایجاد تغییر در رفتار اوست؛ به تعبیر دیگر افزایش اطلاعات دینی هدف واسطه‌ای به‌شمار می‌رود. هدف نهایی رسیدن به تربیت دینی و الهی و پرورش ایمان و به اصطلاح "دینداری" است.

علم بودش چون نبودش عشق دین
او ندید از آدم الا نقش طین
گرچه دانی دقت علم ای امین
زانت نگشاید دو دیده غیب بین
کار تقوی دارد و دین و صلاح
که ازو باشد به دو عالم فلاح^(۵)
بر پایه نظریه "هاولند" (Hovland) در یادگیری نگرشهای تازه، سه متغیر عمده وجود دارد: توجه (Attention) ادراک (Comprehension) و (Acceptance) پذیرش و پاسخ یا تغییر در نگرش پس از "پذیرش" حاصل می‌شود.^(۶) حال اگر ادراک را "علم" و "پذیرش" را "ایمان" بدانیم و بدین نکته توجه کنیم که تغییر در نگرش، اغلب موجب تغییر در رفتار می‌شود، طرح این پرسش بجا خواهد بود که چگونه می‌توان این "علم" را به "ایمان" و سپس به "عمل" تبدیل کرد یا چگونه می‌توان "دین‌آموزی" و "دین‌فهمی" را منتهی به "دین‌باوری" کرد.

اهمیت این بحث از آن روست که جایگاه علم، ذهن آدمی است و "دانایی" به تنهایی می‌تواند در انسان "توانایی" ایجاد کند، انسان را بر طبیعت مسلط سازد و اسرار هستی را بر او برملا کند اما ناقص و زیانبار است. تا "علم" با "پایبندی" و "احساس مسئولیت" و "معنویت" آمیخته نگردد، در دل نفوذ نخواهد کرد و در سازندگی شخصیت و هویت واقعی انسان سودمند نخواهد بود.

موانع و رویکردهای عملی تعمیق بینش مذهبی

۱- کشف علل و عوامل ضعف و سستی ایمان و گرایشهای دینی در عصر جدید: توجه به علل و عوامل بروز هر پدیده به جای پرداختن به معلولها مورد قبول همه انسانهای خردمند در طول تاریخ بوده است. روشن است که ریشه‌یابی پدیده ضعف و سستی ایمان در عصر حاضر و قطع آن در تعمیق بینش مذهبی در جامعه تأثیر زیادی خواهد داشت. باید اذعان کرد که علل و عوامل متعددی در طول تاریخ بشر در ظهور و بروز این پدیده مؤثر بوده است. کشف همه این عوامل خود محتاج پژوهشی مستقل و تحقیق گسترده است. در این میان می‌توان به دو عامل بسیار مهم و اساسی اشاره کرد:

الف) تبیین نادرست رابطه علم و دین: ریشه این امر را باید در برخورد غیرمنطقی و نادرست روحانیون مسیحی با علم و عالم در قرون وسطی جستجو کرد. بنابر این، پدیده جدیدی نیست و ریشه چندین صد ساله دارد. رهبران کلیسا در دوران قرون وسطی - که رهبران سیاسی نیز بودند - هرگونه اظهار نظر و اندیشه علمی را - که با عقاید خرافی آنان در تعارض بود - با استفاده ابزاری از دین محکوم می‌کردند و کفرآمیز می‌انگاشتند. لیکن رشد و گسترش رو به افزایش علم جدید، فرصت اندیشیدن را به آنان نمی‌داد و بسیاری از باورهای موهوم آنان را باطل قلمداد می‌کرد. این امر که بتدریج موجب انزوای کامل کلیسا و سردمداران آن می‌گردید حتی معتقدان به آن دین را به اعتراض واداشت. مذهب پروتستان‌تیسیم در مسیحیت یکی از مهمترین دستاورد این اعتراض دینی بود. نتیجه طبیعی این خفقان این بود که علما و دانشمندان نیز - که در دادگاه‌های تفتیش عقاید (انگیزیسون) محاکمه و محکوم به مجازات شده بودند به مخالفت و رویارویی با دین - نه برداشتهای نادرست رهبران کلیسا از دین - پرداختند. در نتیجه تصور نادرست تعارض اساسی علم و دین - نه فقط مسیحیت - در میان شیفتگان علم جدید پدید آمد. در این نکته نمی‌توان تردید کرد که پیدایش و ظهور علم جدید، پیامدها و آثار و تردیدهایی را برای دین و اخلاقیات داشته باشد. نکته حائز اهمیت این است که در کل تاریخ انقلاب علمی قرن هفدهم کشفیات و اندیشه‌ها از نظر منطقی در راه از بین بردن

ایمان به خدا کمترین تأثیر نداشته است؛ زیرا

اولاً - همانطور که ذکر شد - دین فطری است و هیچ گاه در جوامع بشری از بین نمی رود و «دین گرچه ممکن است همیشه با اعتقاداتی همراه شود، خود صرفاً امری عقلی نیست».^(۷)

ثانیاً «هیچ برهان علمی - هر برهان برگرفته از پدیده های طبیعی - هرگز ممکن نیست کمترین تمایلی به اثبات یارد خدا داشته باشد».^(۸)

با این حال می توان اذعان کرد که برخورد نادرست کلیسا با انقلاب علمی در عمل و از نظر تاریخی جایگاه دین را عمیقاً به تحلیل بُرد و بلافاصله موج عظیمی از شک گرای دینی به وجود آمد و به دنبال قرن هفدهم و هیجدهم، شکا کترین عصر دنیای نوین فرا رسید. مباحث جدید از جمله سکولاریسم، ناسیونالیسم، مدرنیسم، پست مدرنیسم، اومانیزم و غیره پا به عرصه وجود نهادند. لذا انسانی که در گذشته همواره، زندگی دینی داشته است به نظر می رسد که امروزه با علم جدید زندگی می کند. از این رو، رویکرد تبیین درست رابطه علم و دین در تعیین سرنوشت زندگی بشر امروزی تأثیر زیادی خواهد داشت. زیرا حیات بشریت بر مبنای فرض تعارض و رقابت میان علم و دین، شکلی خواهد یافت و بر مبنای تعاضد و یگانه انگاری علم و دین صورت دیگری خواهد پذیرفت. بنابراین این زندگی بشر نسبت به نوع رابطه علم و دین بی تفاوت نیست. دین انگاری علم و دین صورت دیگری خواهد پذیرفت. بنابراین زندگی بشر نسبت به نوع رابطه علم بی تفاوت نیست.^(۹)

۱- اصل تعارض علم و دین بر پایه این نگرش نادرست در مورد انسان شکل می گیرد که می توان اعتقاد دینی را از انسان گرفت. "آلفرد نورث وایتهد" (Alfred North Whitehead) می نویسد: «از زمانی که بشر سفر به سوی تمدن را آغاز کرده روح دینی همواره حضور داشته است».^(۱۰)

۲- این تصور که در هر کشمکش و تعارض میان علم و دین حتماً باید دین مغلوب گردد، تصویری نادرست و اندیشه ای بی اساس است.

۳- تعارض موجود میان علم و دین، ظاهری است. تعارض حقیقی میان علم و دین وجود ندارد.

۴- این تعارض میان علم به طور کامل با دین به طور کامل نیست. فقط در مواردی تعارض وجود دارد و نیز بین اصل علم و اساس دین تعارضی وجود ندارد. تعارض ظاهری در درک و نگرش دانشمندان علوم تجربی از طبیعت با درک و نگرش دانشمندان علوم دینی از کتابهای مقدس دینی است.

۵- راه حل این تعارض را نباید در "جدانگاری علم و دین" جستجو کرد؛ زیرا هرچند موضوع علم و دین متفاوت است، حوزه علم و دین به طور مطلق جدا نیست و نقاط مشترک در روش و نگرش میان این دو وجود دارد.

۶- علم فقط می‌تواند پهنه محدودی را فراگیرد و هرگز قادر نیست جز به حدس و گمان از حقایق و تحولات سخن گوید. به تعبیر و ایتهد «یقین علمی سرایی بیش نیست. پیرامون آن را محدودیتهای ناشناخته فراگرفته است» (۱۱).

زنانک هست اندر طریق مفتتن	علم کمتر از یقین و فوق ظن
علم جوئیای یقین باشد بدان	و آن یقین جوئیای دیدست و عیان (۱۲)
عقل جزوی آفتش وهم است و ظن	زنانک در ظلمات شد او را وطن (۱۳)
چشم حس همچون کف دست است و بس	نیست کف را بر همه او دسترس (۱۴)

در حالی که کتابهای مقدس، مبتنی بر اطلاعاتی الهی و فراگیر است و در مورد حقایق و واقعتهای زندگی به قطع و یقین سخن می‌گوید، و ایتهد در جای دیگر می‌نویسد: «اگوست کنت باکنار گذاشتن مذهب، هیچ چیز در راه حصول یقین به دست نیاورد» (۱۵).

۷- موضوع رابطه علم و دین امروزه و در دو دهه اخیر در مغرب زمین به صورت تعاضد و توازی علم و دین مطرح شده است. لذا نتیجه نهایی تعارض علم و دین تبیین نیازمندی انسان مدرن به دین است. «مراد از توازی این است که این دو در عین استقلال از نظر موضوع، شباهتهای مهمی از نظر ساخت دارند. نویسندگان و پژوهندگان این گروه (علماء) در صدد آن نیستند که از کشفیات علمی مستقیماً نتایج کلامی بیرون بکشند، بلکه

موارد مقایسه بین روشهای پژوهش این دو را پیدا می‌کنند و بر این عقیده‌اند که متکلمان می‌توانند در بسیاری از رهیافتهای عقلی و تجربی دانشمندان شریک باشند. اینان می‌کوشند هم علم و هم دین را در درون یک برداشت وحدانی از جهان لحاظ کنند.^(۱۶) "فلسفه پویش" و ایتهد که در قرن بیستم پرورش یافته یکی از کوششهای مؤثری است که علم و دین را در برداشت یگانه‌واری از حقیقت جمع‌آوری کرده است. (ب) از خود بیگانگی (الیناسیون): این اصطلاح که در فلسفه اروپا مطرح شده به معنی "خود را باختن"، "خود را فراموش کردن و گم کردن" آمده است؛ یعنی عواملی موجب می‌شود که انسان خودش با خودش بیگانه شود. لذا تعبیر صحیحتر آن از نظر شهید مطهری (ره) "با خود بیگانگی" است نه "از خود بیگانگی".^(۱۷)

مباحث علم روانشناسی را در مورد "سردرگمی نقش" (Role confusion) با هویت انحرافی - هویتی مغایر با ارزشهای اجتماعی^(۱۸) - تا حدودی می‌توان در ارتباط با این پدیده تبیین کرد. نباید تردید کرد که اگر انسان از عظمت روح و درون خود باخبر، و به شرافت انسانیت خود واقف شود، ایمان به خدا در جان او تعمیق خواهد یافت. «انسان همیشه خودش برای خودش دروازه معنویت بوده است»^(۱۹) انسانیت انسان و فضیلت انسانی او فقط به دست خود او ساخته می‌شود.

هر که را هست از هوسها جان پاک زود بیند حضرت و ایوان پاک^(۲۰)
 خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و لا تکنوا کالدین نسو الله فانسیهم انفسهم»^(۲۱)
 همانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کرده‌اند که خداوند نفوس ایشان را از یادشان می‌برد. پس خودیابی در واقع، مقدمه خدایابی است. خودشناسی مقدمه خداشناسی است و برعکس.

در تو نمرودی است آتش در، مرو رفت خواهی، اول ابراهیم شو^(۲۲)
 حدیث مشهور «من عرف نفسه فقد عرف ربه»^(۲۳) از امیر مؤمنان ناظر بر این موضوع است. این خویش‌شناسی بر ادراک فرد از جهان و رفتار او تأثیر می‌گذارد. فردی که از خودشناسی مثبت و نیرومندی برخوردار باشد دیدگاه کاملاً متفاوتی نسبت به جهان و

محیط پیرامون خود خواهد داشت و در برابر فرهنگ، تاریخ، تمدن، هنر و ارزشهای دیگران گرفتار خودباختگی نخواهد شد؛ به عبارت دیگر "بازگشت به خویشتن" بازگشت به فرهنگ و تمدن، افتخارات و ارزشها، تاریخ و هنر خویشتن نیز هست. (۲۴) در این صورت است که انسان خود را باور می‌کند و آشنایی با فرهنگ، تمدن، تاریخ و ارزشهای دیگر ملتها او را خودباخته نمی‌کند. در این مقال، مجالی برای طرح مبسوط مقوله "الیناسیون" نیست. بدون شک عواملی چند در ایجاد و پیدایش آن در کشورهای اسلامی دخیل بوده که بررسی همه جانبه آن محتاج پژوهشی مستقل است. آنچه می‌تواند در این زمینه بسیار مؤثر باشد شناسایی راه‌هایی از آن است که جز از طریق "بازگشت به خویشتن" امکانپذیر نخواهد بود.

الحذر ای مؤمنان کان در شماست در شما بس عالم بی‌متهاست (۲۵)

بازگشت به خویشتن بازگشت به اصل و اساس انسانیت است. هرچه با فطرت انسان سازگار باشد شادمانی و رضایت از دستیابی به خود آگاهی و هدف به دنبال دارد. بیماری "باخود بیگانگی" نیز از پیامدهای پیدایش و ظهور علوم تجربی و تمدن جدید است. زیرا «فرهنگ و تمدن غربی، فرهنگ جهان آگاهی و خودفراموشی است. انسان در این فرهنگ به جهان آگاه می‌گردد و هر چه بیشتر به جهان آگاه می‌گردد بیشتر خویشتن را از یاد می‌برد». (۲۶)

تجزیه و تحلیل این پدیده و کشف و بیان زبانهای ناشی از آن و دعوت به "بازگشت به خویشتن" و اهمیت دادن به مباحث "انسانشناسی" در مراکز آموزشی و علمی و فرهنگی یکی از رویکردهای مهم تلقی می‌گردد.

۲- توجه به تفاوتها در رشد استعدادهای ذهنی و روانی و اطلاعات و تجربیات و موقعیتهای اجتماعی فرهنگی: در اواخر سال ۱۹۵۰م یک گروه بسیار فعال از روانشناسان اجتماعی تحت سرپرستی "کارل هاولند" گرد هم آمدند و الگویی را برای تغییر در نگرش عرضه کردند (محرک - پاسخی). آنان چهار عنصر را، که در بیشتر موقعیتهای متقاعدکننده در تغییر نگرش دخالت دارد، مشخص کردند. منبع ارائه پیام

متقاعدکننده - ویژگیهای پیام - زمینه‌ای که پیام در آن عرضه می‌شود - شخصیت دریافت‌کننده پیام. (۲۷)

این رویکرد ناظر بر ویژگیهای شخصیت، دریافت‌کننده پیام است. نمی‌توان تردید کرد که شخصیت مخاطب و خصوصیات جسمانی، روانی و اخلاقی او در ایجاد و تغییر نگرش و به تبع آن تغییر در رفتار تأثیر زیادی دارد. تحقیقات و پژوهشهای روانشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت نشانگر این است که در چگونگی درک مفاهیم دینی میان دختران و پسران تفاوت قابل توجهی وجود ندارد؛ هرچند ویژگیهای جسمانی و روانی آنان (تفاوتهای جنسیتی) (۲۸) متفاوت است.

از سوی دیگر دین اسلام برای هر یک از گروه پسران و دختران وظایف فردی و اجتماعی خاصی را در خانه و جامعه تعیین کرده است. بنابر این برنامه‌های آموزشی و شیوه‌های تربیتی برای هر دو گروه باید متفاوت باشد.

وجود تفاوت در رشد استعدادها، ذهنی و روانی یا تفاوت‌های فردی - که در وراثت و محیط ریشه دارد - (۲۹) و نیز تفاوت در اطلاعات و تجربیات دینی دانشجویان امروزه در تحقیقات روانشناسی به اثبات رسیده است.

این تفاوت عقلها را نیک دادن در مراتب از زمین تا آسمان (۳۰)

متحد نقشی ندارد این سرا تا که مثلی وانمایم من تو را (۳۱)

این امر ایجاب می‌کند که تعلیم و تربیت دینی گام به گام صورت گیرد و در هر مرحله اصول و شرایط لازم در نظر گرفته شود؛ بدعبارت دیگر هر موضوع دینی را نمی‌توان در هر مرحله تعلیم داد. باید درجه فکر و توان درک مخاطبان را در نظر گرفت.

چونکه وقت آید که جان گیرد جنین آفتابش آن زمان گردد معین (۳۲)

دستور العمل کلی «کلم الناس علی قدر عقولهم» که پیامبران ملزم به رعایت آن بودند صحت این گفتار را تأیید می‌کند.

بیش از این با خلق گفتن روی نیست بحر را گنجایی اندر جوی نیست

پست می‌گویم به اندازه عقول عیب نبود این بود کار رسول (۳۳)

تعمیق مباحث دینی نیز در هر مرحله باید در حد معینی صورت پذیرد و به آن جنبه‌ها، که قابل فهم در آن مرحله است، باید توجه کرد. زیرا «اهداف تربیتی باید قابل فهم باشد».^(۳۴)

چونکه با کودک سر و کارت فتاد هم زبان کودکان باید گشاد^(۳۵)

این سخن به این معنی نیست که برای اثبات و تبیین هر موضوع دینی می‌توان از دلایل سست و بی‌پایه استفاده کرد. استدلال‌های بی‌پایه هرچند ممکن است اثر مثبت کوتاه‌مدت داشته باشد، در درازمدت تأثیرات زیانباری خواهد داشت. تعلیم هر مطلب دینی - هر چند کاملاً صحیح و معتبر باشد - در هر مرحله نمی‌تواند آثار مثبت و سازنده داشته باشد. در تعالیم دینی ما مسائل مختلف فلسفی، کلامی، عرفانی، سیاسی و اقتصادی و... به‌فراوانی مطرح است که از نظر دینی مقبول و معتبر است اما طرح برخی از این مسائل شاید در سطح درک و توان فهم مخاطبان نباشد. لذا آشنایی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی با علم روانشناسی، بویژه روانشناسی رشد، بخش مربوط به نوجوانی و جوانی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. باید پذیرفت که جوانان در دنیای خاص خود زندگی می‌کنند. اگر کسی بخواهد ارتباط فکری و روحی با آنان برقرار کند باید در دنیای آنان وارد شود. جوانان دنیا را از روزنه‌ای می‌نگرند که با نگاه بزرگترها تفاوت‌های اساسی دارد. لازمه موفقیت در تعلیم و تربیت دینی جوانان و جلب توجه و علاقه آنان، داشتن شناخت درست از حساسیتها، خواسته‌ها، تجربیات، احساسات و ظرفیت فکری و ذهنی آنان است تا حصول به هم‌زمانی میسر گردد. از اینروست که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی جوانان باید هم "دین‌شناس" و هم "جوان‌شناس" باشند. در فرهنگ دینی ما باید این اصل، جایگاه ویژه خود را پیدا کند و کسانی که به آموزش و پرورش دینی اشتغال دارند باید از این جهت نیز تواناییهای لازم را کسب کنند.

از دیدگاه "ابراهام مزلو" (Abraham Maslow) «فرهنگ و وضعیت محیطی و اجتماعی در رشد و پویایی شخصیت فرد دخالت می‌کند».^(۳۶) بنابراین باید پذیرفت که آموادگی، حساسیت، تجربیات و زمینه‌های فکری افراد نسبت به معارف دینی یکسان

نیست. انسانها از فرهنگهای متنوع و خانواده‌های مختلف با زمینه‌های فکری و روانی متفاوتی هستند. با توجه به اینکه «هدفهای تربیتی باید قابلیت انعطاف داشته باشد.»^(۳۷) قدرت انعطاف‌پذیری و آشنایی با علم جامعه‌شناسی و میزان و نحوه تأثیر محیط و خانواده در شکل‌گیری شخصیت فرد می‌تواند این مشکل مهم و اساسی را حل کند.

۳- قدرت پاسخگویی معقول و منطقی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی به پرسشهای دینی: تحول سریع در فناوری ارتباطات در جهان انفجار اطلاعات و تأثیر فرهنگها و صحبت از دهکده واحد جهانی - صرف‌نظر از جنبه‌های مثبت علمی و صنعتی آن بویژه در اطلاع‌رسانی - موجب شده است که افکار و ارزشهای غربی - اکثراً اندیشه‌های لیبرالی و لائیک - به آسانی و بسیار ماهرانه و هنرمندانه و جذاب در اختیار نسل جدید قرار گیرد. در این افکار، نفی ارزشهای ملتها، خدا، دین و اخلاق مجاز شمرده، و در نسل جوان جوامع جهان سوم بویژه کشورهای اسلامی گاهی مؤثر واقع می‌شود. فاصله نسل جدید را با نسلهای گذشته بیشتر، و نوعی بی‌تفاوتی و نفرت و احساس حقارت نسبت به دین ایجاد می‌کند. در این بحران دردناک معنویت، نفس لوامه موضوعیت ندارد. تعریف از فساد و گناه تغییر می‌یابد. هدف نهایی انسان ارضای نفس و شهوات است و گناه، توجیه عقلی می‌گردد. افول دین، نشانه ترقی و پیشرفت است و دین نماد عقب‌ماندگی اجتماعی و مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و باورها و رفتارهای بازدارنده آزادی به‌شمار می‌رود. این امر امروزه پیچیدگیهایی را در برنامه تبلیغی و آموزشی تعلیم دینی به وجود آورده است. انواع سؤالات در ارتباط با امور دینی مطرح می‌گردد و انتظار این است که پاسخهای قانع‌کننده و منطقی در برابر سؤالات دریافت شود. لذا مسئولیت دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی در جهان امروز بسیار سنگین‌تر از گذشته است.

دشمنی عاقلان زین سان بود زهر ایشان ابتهاج جان بود^(۳۸)

توان بالای علمی پیام‌رسانان دینی بنابر نظریهٔ "هاولند" ناظر بر منبع ارائه پیام متقاعدکننده است. پیام‌رسان می‌تواند به همان اندازه مهم باشد که خود پیام. "هاولند" و

همکاران او مقبولیت پیام‌رسان را در احتمال تغییر نگرش و رفتار مورد تأکید قرار داده‌اند و پنج عامل را در ایجاد مقبولیت حائز اهمیت می‌دانند: تخصص، مورد اعتماد بودن، به نفع خود استدلال نکردن، جذابیت، شباهت پیام‌رسان به گیرندگان پیام.^(۳۹)

خوی شاهان در رعیت جا کند چرخ اخضر خاک را خضرا کند^(۴۰)

بر پایه این نظریه مسئولیت خطیر پیام‌رسانان دینی جامعه ایجاب می‌کند که علاوه بر تخصص در فهم متون دینی در متافیزیک، معرفت‌شناسی، اخلاق، اسطوره‌شناسی، جامعه‌شناسی و مباحث جدید غرب، اطلاعات لازم و کافی کسب کنند تا بتوانند پاسخهای روشن‌گرانه ارائه دهند. کوچکترین نشانه دال بر ضعف علمی مسلماً موجب سلب اعتماد می‌گردد. برخورداری از توان بالای علمی در علوم قدیم و جدید و نیز شناخت فرهنگ خودی و فرهنگهای دیگر ملتها از رویکردهای مهم و ضروری در تعلیم و تربیت دینی عصر جدید تلقی می‌گردد. لازمه این امر آشنایی با نیازها و مقتضیات زمان خویش است. بدون تردید هدایت نسل جدید تشنه معنویت با زبانی آشنا و قابل فهم، توان رویارویی با تهاجم گسترده فرهنگی بیگانگان را در حال و آینده افزون خواهد کرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس»^(۴۱) کسی که به روزگار خویش آگاه باشد مورد هجوم شبهات قرار نمی‌گیرد.

شخصیت قابل احترام، داشتن نظم در گفتار و کردار، آراستگی ظاهر، متانت و وقار، ادب در برخوردهای اجتماعی، احساس مسئولیت، تسلط بر خود و پرهیز از خودخواهی، انصاف و عدل و احترام به ارزشها و علائق و شخصیت مخاطبان از اصولی است که در ایجاد مقبولیت و محبوبیت تأثیر بسزایی خواهد داشت. مقبولیت نیز جزء مهم درونی کردن افکار، باورها و رفتارهاست. اگر در مواردی ارزشها و خواسته‌های مخاطبان با اصول و موازین شرعی مغایرت صریح داشته باشد بهتر است با ظرافت و دقت خاص، اشتباه در فکر و عقیده آنان یادآوری گردد.

حصر معارف دینی در مسائل نظری و کلامی به سبک سنتی و عدم ارتباط آن با نیازها و مسائل روز سبب می‌شود که پویایی دین از بین برود؛ معارف دینی از جاذبه

لازم برخوردار نگردد و دین در نظر مخاطبان، مسائلی تلقی گردد که به درد زندگی بشر امروزی نمی خورد. توجه افراطی بر اندیشه سنتی، انسان را از برخورد شایسته با مسائل جدید نیز ناتوان می سازد. وظیفه ما عرضه ایمان و تفہیم اندیشه دینی به مخاطبان زمان خود است. این امر در صورتی تحقق خواهد یافت که ذهن و زبان مخاطبان شناخته گردد و شبہات جدید بروشنی فہمیدہ شود. لذا «سنت زدگی در برخورد با مسائل جدید آفت مهم به شمار می رود. سنت زدگی افراط گرایان عامل مهم در ظہور سنت زدایی به عنوان عکس العمل آن است. خودباختگی فرهنگی نیز از دیگر عوامل آن است. سنت زدایی منشأ آفات زیادی در فرهنگ معاصر است. (۴۲)

رابطہ صمیمی به جای برخورد رسمی، استفادہ از شیوہ های منطقی، ایجاد اعتماد، اجتناب از بی مہری و سخنگیری و شیوہ های تعصب آمیز، برخورداری از بلند نظری و سعه صدر و فرصت تفکر و اظهار نظر و ابراز وجود دادن به مخاطبان از اصولی است کہ باید در پاسخگویی به سؤالات دینی مورد توجہ قرار گیرد.

۴- توجہ به ادبیات خاص دین: این رویکرد ناظر بر ویژگیهای پیام در نظریه "هاولند" است. بدون شک محتوای معارف دینی ویژگیهایی دارد کہ علوم دیگر فاقد آن هستند. لذا در تفسیر و توضیح مباحث دینی باید زبان و ادبیات خاص آن مورد توجہ قرار گیرد. بنابر نظر تحلیلگران زبانی، وظایف زبان دینی با وظایف زبان علمی تفاوت زیادی دارد. زبان دینی از مسائلی است کہ امروزہ در "فلسفہ علم" مطرح می شود. پل تیلیخ (Pull Tillich) از متفکران عصر حاضر بر این باور است کہ ایمان دینی کہ وضعیتی حاکی از "غایت قصوی" در باب هستی غایی است تنها می تواند خود را در زبان نمادین بیان کند. (۴۳)

بدیہی است کہ بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات در مباحث دینی به شیوہ ای به کار رفته است کہ از کاربرد آنها در معانی متداول غیردینی متفاوت است؛ مثلاً وقتی می گویم «خداوند بیناست» مقصود این نیست کہ چشم دارد و با چشمان خود همانند انسان می بیند. روشن است کہ میان کاربرد بشری و مرسوم این عبارت و کاربرد دینی آن

اختلاف مفهومی فاحشی وجود دارد. دلیل روشن بر این مدعا این است که برخی از جریانهای فکری و کلامی در اسلام نظیر "مُشَبَّه" و "مُجَسَّمه" - که به این کاربرد دینی توجه نکرده‌اند - نزد اکثریت مسلمانان مقبولیت نداشته‌اند. بنابر این اگر زبان خاص دین در تبیین مفاهیم و اصطلاحات دینی به کار گرفته نشود، تعلیم و تربیت دینی با ابهام و مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد.

باید اذعان کرد که دین شامل احساسها، ارزشها و اشارات دربارهٔ "بینهایت مطلق" یعنی خدا و حقایق جهان هستی است. اما آیا می‌توان گفت که به کارگیری همه اصطلاحات دینی در مورد حقایق جهان هستی استعمال تمثیلی و نمادین و سمبلیک است؟ عده‌ای از متفکران مسیحی از جمله "توماس آکوئیناس" (Thomas Aquinas) و پل تیلیخ تلاش کرده‌اند همه گزاره‌های دینی را به روش تمثیل و نمادین تفسیر کنند.^(۴۴) هرچند در این مورد تعمیم ناروا صورت گرفته است، می‌توان به قطع و یقین بیان کرد که ادبیات دینی ما از اصطلاحات، نمادها، داستانها و تمثیلهای خالی نیست ولی این‌گونه نیست که همه حقایق دینی به روش نمادین و سمبلیک قابل تفسیر باشد. در قرآن کریم در موارد متعددی استعمال نمادین و سمبلیک به کار رفته است. در قرآن کریم می‌خوانیم: «ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش»^(۴۵) پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر تخت مستقر گردید. در این آیه شریفه "استقرار بر عرش" کنایه از استیلا بر جهان هستی پس از آفرینش است. به‌طور کلی آیات متشابه در قرآن کریم را می‌توان از این دسته آیات به‌شمار آورد.

گاهی نیز داستانهایی از اقوام پیشین و زندگی پیامبران الهی نقل می‌شود. خداوند در مورد داستان فرزندان حضرت آدم (ع) می‌فرماید: «و اتل علیهم نبأ ابنی آدم بالحق»^(۴۶) و درباره داستانهای انبیا می‌فرماید: «ان هذا لهو القصص الحق»^(۴۷) «نحن نقص علیک نبأهم بالحق»^(۴۸) با وجود اینکه برخی از دانشمندان اسلامی از جمله زمخشری، طبری، فخر رازی، اقبال لاهوری، محمد عبده، رشید رضا و دکتر علی شریعتی، سمبلیک و

تمثیلی بودن این داستانها را مسلم دانسته‌اند، واژه "بالحق"، "الحق" در این آیات می‌تواند اشاره‌ای به حقیقی بودن آنها نیز باشد. لذا رویکرد پیشنهادی در این زمینه، فراگیری چگونگی کاربرد و جایگاه نمادها و سمبلها و تمثیلات در معارف دینی و مباحث "زبان دین" و آشنایی با آن است.

۵- پرورش همه‌جانبه ابعاد وجودی انسان: این رویکرد ناظر بر شخصیت دریافت‌کننده پیام است. اسلام دینی جامع و چندبعدی است و بدین سبب «هدفهای تربیتی در اسلام باید جامع باشد.»^(۴۹) لذا انسان کامل اسلام «انسانی است که همه ارزشها در حدّ اعلی و هماهنگ با یکدیگر در او رشد کند.»^(۵۰)

یکی از اصول نظریه "ژان پیاژه" (Jean Piaget) هماهنگی و موازی بودن رشد شناختی با رشد عاطفی و اجتماعی است. به گونه‌ای که جدا کردن این ابعاد از یکدیگر به نظر غیرممکن می‌نماید.^(۵۱) وحدت شخصیت انسان از دیدگاه "مزلو"^(۵۲) و جامع‌نگری انسان در مکتب روانشناسی گشتالت^(۵۳) (Gestalt) به نوعی در صدد تبیین این اصل است. وایتهد می‌گوید: «حیات طفل به‌طور کل موضوع تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد.»^(۵۴)

پرورش همه ابعاد وجود انسان، اصول اعتقادی، اخلاقی و... گرایشهای فلسفی، عرفانی، کلامی و... همه از اموری است که در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. «همه می‌کوشیم باورها، نگرشها و رفتارهایمان از همسازی برخوردار باشد و ناهمسازی آنها عامل محرکی است که ما را برمی‌انگیزاند باورها، نگرشها و رفتارهای خود را به گونه‌ای تغییر دهیم که به صورت مجموعه‌ای منطقی یا لافل منسجم درآید (همسازی شناختی)^(۵۵). لذا باید «رشد در جنبه‌های مختلف انسان صورت گیرد»^(۵۶). در فرایند تربیت باید همه جنبه‌های بدنی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، دینی و هنری انسان مورد توجه قرار گیرد.

ذوق جنس از جنس خود باشد یقین ذوق جزو از کل خود باشد بین^(۵۷)
برپایه نظریه ناهماهنگی شناختی "لئون فستینگر" (Leon festinger) در مورد

الگوهای تغییر در نگرش «دو شناخت که با یکدیگر ناهماهنگ باشد، احساس ناراحتی به وجود می‌آورد و این امر شخص را برمی‌انگیزد که ناهماهنگی را از میان بردارد و شناخته‌های خود را به حالت توازن برگرداند».^(۵۸) لذا اهمیت دادن به بعد خاصی از تعالیم دینی و غفلت از دیگر ابعاد اسلام، تک‌بعدی بودن و یک‌بعدی تربیت کردن و مخالف با روح آموزشهای دینی است و ایجاد ناهماهنگی می‌کند.

جزو از کل قطع شد بی‌کار شد
 عضو از تن قطع شد مردار شد
 تانسیبوند به کل بار دگر
 مرده باشد نبودش از جان خبر
 جزو از این کل گر بُرد یکسو رود
 این نه آن کل است کو ناقص شود^(۵۹)

محور قرار دادن اخلاق، عبادت، سیاست با دیگر تعالیم اسلامی بدون حفظ محور بودن توحید، بی‌ارزش قلمداد کردن سایر ابعاد اسلامی خواهد بود. اگر علم بدون عبادت مذموم است، عبادت بدون علم نیز نامقبول است.

یکی از مشکلات اساسی در تعلیم و تربیت دینی یک‌جانبه‌نگری و بی‌توجهی به جامعیت اسلام است. لذا یکی از رویکردهای نظام آموزشی کشور باید جامع‌نگری نسبت به اسلام و برنامه‌ریزی در جهت پرورش همه‌جانبه ابعاد وجود انسان باشد.

۶- تلفیق علم و عمل: این رویکرد ناظر بر ویژگیهای پیام‌رسان است. در تعالیم اسلامی تأکید زیادی بر پیوستگی کامل میان علم و عمل صورت گرفته است. زیرا توأم بودن علم و عمل، معرفت‌زاست و در ایجاد تغییر در رفتار بسیار مؤثر است. اسلام عملی را که از روی علم نباشد سخت نکوهش می‌کند و آن را سبب تباهی انسان می‌داند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح»^(۶۰) آن که بدون علم به عمل برخیزد بیش از اینکه اصلاح کند سبب تباهی می‌شود و نیز علمی را که توأم با عمل نباشد جز وبال برای صاحب آن نمی‌شناسد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کل علم وبال علی صاحبه الا من عمل به»^(۶۱) هر علمی وبال صاحب خویش است مگر کسی که به علم خود عمل کند.

جمع‌بندی آیات و روایات در این زمینه مؤید این مطالب است که اندیشه ناخالص

نمی تواند به رفتار اخلاقی بینجامد. اما اگر اندیشه به طور عمیق با جان و عواطف انسانی گره بخورد به رفتار اخلاقی منجر خواهد شد. در دین اسلام به "تبلیغ عملی" بسیار بیشتر از "تبلیغ زبانی" تأکید شده است. زیرا تبلیغ عملی مؤثرتر و نافذتر، و در درونی کردن ارزشها بسیار سودمندتر است. امام صادق (ع) می فرماید: «کونوا دعاة للناس بغير السنکتم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلوة و الخیر، فان ذلک داعیہ»^(۶۲) مردم را با غیر زبان خود دعوت کنید تا ورع و کوشش و نماز و نیکی شما را ببینند که آن انگیزه است. در روانشناسی تربیتی ثابت شده است که "ارتباط غیر کلامی" از "ارتباط کلامی" بسیار نافعتر و اثربخشر است و دوگانگی در گفتار و کردار هم اثر خود را از دست می دهد و هم نتیجه منفی به دنبال دارد.

گر گواه قول کژ گوید ر دست ور گواه فعل کژ پوید ر دست
قول و فعل بی تناقض بایدت تا قبول اندر زمان بیش آیدت^(۶۳)

علت سودمند بودن تبلیغ عملی وجود گزینه نیرومند تقلید در وجود انسان است. بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن، طرز سخن گفتن و... به سبب وجود این گزینه فرا گرفته می شود. این یادگیری و تغییر در نگرش و رفتار به صورت غیر مستقیم اتفاق می افتد و انسان با مشاهده رفتار دیگران با رفتارهای جدید آشنا می شود.

وای آن زنده که با مرده نشست مرده گشت و زندگی از وی بجست^(۶۴)
قرآن کریم، یادگیری و تغییر در نگرش و رفتار را از طریق تقلید از روشهایی می داند که انسان طرز برخورد مناسب با محیط اطراف خود و شیوه های منطقی حل مشکل را می آموزد و موفق به حل مشکلات خود می شود. خداوند در داستان قابیل و ناتوانی او در پنهان کردن جسد هابیل می فرماید: «فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یواری سواة اخیه قال یا ویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب فوارى سواة اخی»^(۶۵)
خداوند کلاغی را فرستاد که زمین را بکند تا به او نشان دهد که چگونه جسد برادر خود را در زیر خاک پنهان سازد. (قابیل) با خود گفت وای بر من آیا عاجزم از اینکه همانند

این کلاغ باشم و جسد برادرم را زیر خاک پنهان کنم.

از آنجا که انسان بسیاری از رفتارها و گفتارهای خود را از طریق تقلید یاد می‌گیرد وجود الگوها و سرمشقهای نیکو و شایسته در جامعه و مراکز علمی در یادگیری و تغییر نگرش و رفتار اهمیت زیادی می‌یابد. بدین سبب «یکی از راه‌های بسیار معمول یادگیری روش سرمشق‌گیری و الگوبرداری از رفتار دیگران از طریق مشاهده رفتار آنان است» (۶۶).

قرآن کریم با توجه به نقش مؤثر این روش در یادگیری و تغییر در نگرش و رفتار، رسول اکرم (ص) را به عنوان بهترین الگو معرفی کرده است. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة» (۶۷) همانا رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است. رسول گرامی اسلام نیز معصومین (ع) را پس از خود به عنوان سرمشق برای مردم معرفی کرده است. «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی...» (۶۸) همانا من میان شما دو امانت گرانبها یعنی قرآن و اهل بیتم را به جای می‌گذارم.

دامن او گیر زوتر بی‌گمان تا رهی در دامن آخر زمان (۶۹)

نفس نمرودست و عقل جان جلیل روح در عینست و نفس اندر دلیل

این دلیل راه رهرو را بود کو بهردم در بیان گم شود (۷۰)

مفهوم سرمشق‌گیری یا الگوبرداری بسیار فراتر از مفهوم تقلید صرف است. در عرفان اسلامی نیز الگو و سرمشق بسیار مورد تأکید قرار می‌گیرد. این امر بدان سبب است که سیر و سلوک عملی در عرفان بدون سرمشق‌گیری و الگوبرداری از پیر یا مرشد یا قطب یا... امکانپذیر نیست.

پیر را بگزین که بی‌پیر این سفر هست بس پرآفت و خوف و خطر (۷۱)

مولانا - در قصه آن زن که طفل او بر سر ناودان غیژید و خطر افتادن بود و از

حضرت علی (ع) چاره جست - به این سرمشق‌دهی اشاره می‌کند.

یکی از نظریه‌های یادگیری در روانشناسی - که هم جنبه رفتاری دارد و هم شناختی -

نظریه یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری اجتماعی است. مهمترین نظریه پرداز در این زمینه

"آلبرت بندورا" (Albert Bandura) است. بر پایه این نظریه یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد.^(۷۲) در صورت تعمیم از این روش می‌توان برای آموزش رفتارهای مطلوب در مراکز علمی و در سطح جامعه استفاده کرد. توجه به این نکته حیاتی ضروری است که شکست یا پیروزی دین در جوامع بشری اغلب در گرو رفتار و کردار دینداران آن جامعه است تا آموزشهای نظری دینی. افکار عمومی بیشتر به رفتار افراد جامعه توجه می‌کنند تا دلایل آنها در اثبات و تبیین اصول اعتقادی خویش. اغلب مخالفتهای نه با خود دین بلکه با اعمال مدعیان دینداری صورت می‌گیرد. اگر دینداران هر جامعه ارزشهای دینی و اخلاقی را از طریق اعمال و رفتار و شخصیت خویش به دیگران انتقال دهند یقیناً موجبات رغبت و اشتیاق مردم را نسبت به دین فراهم می‌کنند و بینش مذهبی را بویژه در جوانان تعمیق خواهند بخشید. در غیر این صورت بی‌میلی و نفرت به دین در جامعه، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به عنوان نمونه می‌توان به رفتار سپاهیان اسلام با مردم شام و فلسطین اشاره کرد که بمراتب ساده‌تر از حکومت‌های دست‌نشانده امپراتوری روم بود و یکی از عوامل پیروزی اسلام به شمار می‌رفت.^(۷۳)

پند فعلی خلاق را جذاب‌تر
 اندر آن وهم امیری کم بود
 که رسد در جان هر باگوش و کر
 در حشم تأثیر آن محکم بود^(۷۴)

فرایند "هماندسازی" در روانشناسی - که همان روش سرمشق‌گیری یا الگودهی در متون دینی است - به «فرایندی ناهشیار اطلاق می‌شود که فرد طی آن ویژگیهای (نگرشها، الگوهای رفتاری، هیجانها) فرد دیگری را برای خود سرمشق قرار می‌دهد و چیزی فراتر از تقلید صرف است».^(۷۵)

در علم روانشناسی تحقیقاتی چند در ارتباط با عوامل مؤثر در همانندسازی صورت گرفته است که نتایج این تحقیقات می‌تواند کم و بیش و در حد ضرورت در جامعه ما مورد توجه قرار گیرد. «نتایج چند مطالعه نشانگر این است که بزرگسالانی که گرم و نوازشگرند بیشتر مورد تقلید و همانندسازی قرار می‌گیرند تا کسانی که فاقد این ویژگیها

هستند. قدرتی که فرد بزرگسال برای کنترل محیط کودک اعمال می‌کند به همانندسازی اثر می‌گذارد. سومین عامل مؤثر در همانندسازی ادراک کودک از شباهتهایی است که بین فرد و الگوی منتخب خود می‌بیند.^(۷۶)

در همانندسازی جذابیت سرمشق و الگو اهمیت زیادی دارد. هر چه جاذبه و کشش شخص یا گروهی که فرد می‌خواهد خود را با آن همانند کند بیشتر باشد اعتقاد و افکار او بیشتر در ژرفای وجود او نفوذ خواهد کرد و درونی خواهد شد. «اگر شخص صاحب نفوذ مورد اعتقاد ما باشد و قضاوتش را معتبر بدانیم، عقیده‌ای را که وی از آن جانب‌داری می‌کند می‌پذیریم و با نظام ارزشهای خود ادغام می‌کنیم اما پس از اینکه این عقیده در سلک نظام عقیدتی ما درآمد از منبع خود مستقل می‌شود و در مقابل تغییر بسختی مقاومت می‌کند.»^(۷۷)

عکس کاول زد تو آن تقلید داد چون پیایی شد شود تحقیق آن^(۷۸)

نکته مهم در همانندسازی این است که «پاداش یا تنبیه مداوم در آن ضرورت ندارد. شخصی که فرد با او همانند می‌شود لازم نیست که اصولاً حضور داشته باشد. آنچه ضرورت دارد تمایل و آرزوی فرد برای همانندشدن با آن شخص است.»^(۷۹)

آنچه امروزه می‌تواند رویکرد مهم تلقی گردد این است که همه مدعیان دینداری در خانواده‌ها، مدرسه، دانشگاه و جامعه در عمل، ارزشهای دینی را حفظ کنند و خود را با آن هماهنگ سازند. شرح زندگانی بزرگان و مشاهیر و دانشمندان و قهرمانان دینی و ساختن فیلم از زندگی آنان می‌تواند در این زمینه برای جوانان بسیار مفید باشد.

۷- تصحیح و توضیح عقاید و مفاهیم و ارائه نظام منسجم توحیدی: اندیشه دینی در طول تاریخ و در جوامع مختلف، همواره در معرض تحریفها، انحرافات و کج‌فهمی‌ها قرار داشته است. دین اسلام نیز از این امر مستثنی نبوده و نیست.

غرق گشته عقلهای چون جبال	در بسحار وهم و گرداب خیال
کوه‌ها را هست زین طوفان فضوح	کو امانی جز که در کشتی نوح
زیسن خیال رهزن راه یقین	گشت هفتاد و دو ملت اهل دین

مرد ایقان رست از وهم و خیال موی ابرو را نمی‌گوید هلال^(۸۰) احبا و بازنگری و بازفهمی اندیشه دینی در جهان امروز یکی از ضرورت‌هاست. در آموزه‌های دینی مفاهیم متعددی وجود دارد که نیازمند شرح و بسط منطقی و معقول است و باید به صورت روشن و قانع‌کننده تبیین گردد. ارائه باورهای دینی به صورت پراکنده چه بسا موجب ایجاد تردید و تشکیک در میان معتقدان به دین اسلام شده است. ارائه نظام منسجم توحیدی از باورها و نگرشها و رفتارها و تمایز اصول و فروع دین می‌تواند بسیاری از ابهامها و تردیدها را از میان بردارد. اثبات آموزه‌های دینی به صورتی که مورد تصدیق مخاطبان قرار گیرد، نیازمند عقلانی کردن آن تعالیم و رعایت ذهن و زبان مخاطبان است. حضور در دنیای خاص مخاطبان نباید مورد غفلت قرار گیرد.

تک مران در کش عنان مستور به هر کس از پندار خود مسرور به^(۸۱) امروزه «فلسفه دین» عهده‌دار مطالعه و تحقیق در این زمینه است. «فلسفه دین مفاهیم و نظامهای اعتقادی دین و نیز پدیدارهای اصلی تجربه دینی و مراسم عبادی و اندیشه‌ای را، که این نظامهای عقیدتی بر آن مبتنی هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهد».^(۸۲) بطور قطع دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی در جامعه، دیندارانی هستند که به دلیل دغدغه دینی قصد شناساندن، تعلیم و تبلیغ اندیشه دینی را دارند. لذا باید «مفاهیم اندیشه‌ها»، «زندگی دینی»، «دین زنده و پویا»، «دین و زندگی»، «فلسفه زندگی» را معنی کنند و به صورت سیستماتیک برای زبان مخاطبان قابل قبول سازند. آشنایی با «فلسفه دین» و رویکرد به آن می‌تواند کمک مؤثری در این زمینه باشد.

۸- دفع نظریات معارض: در جهان امروز با مباحث و مسائل جدیدی در مغرب زمین روبه‌رو هستیم. مهمترین عامل پیدایش این مباحث، ظهور مبانی و رویکردهای نوین در جهان اندیشه است. این مباحث اکثراً موجب شکل‌گیری شبهات جدید می‌گردد. مباحث «زبان دین»، «فلسفه دین» و «روانشناسی دین» که امروزه به‌طور جدی مطرح است در گذشته هیچ‌گاه بطور مستقل طرح نشده است. راه حل این شبهات این نیست که

آنها را ناشی از انحراف اندیشه بشری و وساوس شیطانی در عصر جدید بدانیم و بگوییم امور باطلی هستند که باید از صفحه ذهن انسان حذف شوند.

زیرا اولاً در این صورت نه تنها آن شبهات را از بین نبرده‌ایم بلکه شبهه ضعف و ناتوانی دین در پاسخگویی به مسائل جدید را به آن افزوده‌ایم.

ثانیاً این شبهات نتایج جهانی دارند یعنی روز به روز بر وسعت و دامنه این شبهات در سطح جهان افزوده می‌گردد و در جامعه ما نیز کم و بیش مطرح می‌شود. پویایی دین اسلام اقتضا می‌کند که پاسخهای قابل قبول و اقناعی عرضه، و جلوی تشویش اذهان گرفته شود.

ور بگویی شکل استفسار گو با شهنشاهان تو مسکین وار گو (۸۳)

ثالثاً بر اساس سخن مشهور «تعرف الاشياء باضدادها» و نیز با توجه به اینکه تبیین درست و روشن بطلان هر اندیشه غیردینی کمک مؤثری برای اثبات حقایق اندیشه‌های دینی خواهد بود، لازم است مباحث و اندیشه‌های جدید به طور روشن تجزیه و تحلیل و مورد بحث و نقد قرار گیرد.

گر همی دانی ره نیکو پرست ور ندانی چون بدانی کین بد است

بد ندانی تا ندانی نیک را ضد را از ضد توان دید ای فتی (۸۴)

جز به ضد، ضد را همی نتوان شناخت چون ببیند زخم بشناسد نواخت (۸۵)

بی زضدی ضد را نتوان نمود وان شه بی مثل را ضدی نبود (۸۶)

اصولاً استدلال یکجانبه در مقابل استدلال دوجانبه برای مخاطبان آگاه و باهوش تأثیر کمتری دارد و اعتماد و عدالت پیام‌رسان را نزد مخاطب کاهش می‌دهد. «اگر هر مبلغ استدلالهای مخالف را هم بازگو کند، ممکن است حاکی از این باشد که او فردی عادل است. این امر می‌تواند تأثیر او را افزایش دهد. هر چه شنوندگان باهوشتر باشند احتمال اینکه با استدلالی یکجانبه مجاب شوند کمتر است و احتمال متقاعد شدن آنها با استدلالی که دلایل مخالف را بازگو کند و سعی در ابطال آنها دارد بیشتر است.» (۸۷)

رابعاً قرآن کریم مخالفان را علناً به ارائه دلایل خود دعوت کرده است «قل هاتوا

برهانکم ان کتتم صادقین»^(۸۸) اگر راست می‌گویید دلیل خود را عرضه کنید. در موارد زیادی نیز خود قرآن از حجت و استدلال عقلی برای دفع نظریات مخالف سود جسته است. آیه شریفه «ولو کان من عند غیرالله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً»^(۸۹) اگر قرآن از سوی غیر خدا باشد در آن اختلاف زیادی یافت می‌کنند و آیه شریفه «ولو کان فیہما الہة الا اللہ لفسدتا»^(۹۰) اگر در آسمانها و زمین خدایانی غیر از خدا باشد به تباهی کشیده می‌شوند، نمونه‌هایی از این دسته آیات هستند.

پیدایش مباحث جدید روشهای تازه و مبانی نوینی را نیز به وجود می‌آورد. هر مبحث جدیدی روش تحلیل خاصی را ایجاب می‌کند. استاد جعفر سبحانی می‌نویسد: «تنها چیزی که می‌توان درباره مسائل جدید اظهار کرد این است که روش تحلیل این مسائل نمی‌تواند عقلی باشد بلکه باید متناسب با خود شبهه یا سؤال، روشی را برای تحلیل آن برگزید»^(۹۱).

مهمترین مباحث جدید عبارت است از: سکولاریسم، مدرنیسم، پلورالیسم، تعارض علم و دین، معرفت‌شناسی، اومانیزم، سیانتیسم، هرمنوتیک و عصری کردن دین. دینی کردن عصر جدید و دفاع معقول و منطقی از حاکمیت و اقتدار و قداست دین در عصر جدید ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

یادداشتها

- ۱- هیوم، رابرت. ا. ادیان زنده جهان. ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی. چاپ اول. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۶۹. ص ۱۷
- ۲- دورانت، ویل. تاریخ تمدن. مترجمان: احمد آرام، ع پاشایی، امیرحسین آریانپور. چاپ سوم. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. تهران. ۱۳۷۰. جلد اول. ص ۸۳
- ۳- طباطبایی، سیدمحمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی. جلد هشتم. ص ۳۴۹
- ۴- قرآن کریم، سوره روم، آیه ۳۰
- ۵- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. مثنوی معنوی. به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سرورش. چاپ اول. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۷۵. ص ۹۱۷
- ۶- کریمی، یوسف. روانشناسی اجتماعی. چاپ هفتم. دانشگاه پیام نور. تهران. ۱۳۷۵. ص ۲۸۱

- ۷- استیس، والتر ترنس. دین و نگرش نوین. ترجمه احمد رضا جلیلی. چاپ اول. انتشارات حکمت. تهران. ۱۳۷۷. ص ۱۴۱
- ۸- استیس، والتر ترنس. همان منبع. ص ۱۲۶
- ۹- فرامرز قوام‌ملکی، احد. هندسه معرفتی کلام جدید. چاپ اول. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. تهران. ۱۳۷۸. ص ۲۰۴
- ۱۰- وایتهد، آلفرد نورث. سرگذشت اندیشه‌ها. ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی. چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۷۶. ص ۴۵۶
- ۱۱- وایتهد، آلفرد نورث. همان منبع. ص ۳۶۶
- ۱۲- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع، ص ۵۱۱
- ۱۳- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع، ص ۴۰۱
- ۱۴- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع، ص ۳۸۹
- ۱۵- وایتهد، آلفرد نورث. همان منبع. ص ۱۲۳
- ۱۶- باربور، ایان. علم و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۶۲. ص ۱۵۵
- ۱۷- مطهری، مرتضی. فطرت. چاپ اول. انتشارات صدرا. تهران ۱۳۶۹، ص ۱۶۱
- ۱۸- اتکینسون، ری‌تال. اتکینسون ریچارد س. هیلگارد، ارنست ر. زمینه روانشناسی زیر نظر و به ویراستاری دکتر محمدتقی براهنی. گروه مترجمان. چاپ هشتم. انتشارات رشد. تهران. ۱۳۷۳. جلد اول. ص ۱۷۴ و ۱۷۵
- ۱۹- مطهری، مرتضی. انسان کامل. چاپ هشتم. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۲. ص ۹۰
- ۲۰- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۶۶
- ۲۱- قرآن کریم. سوره حشر، آیه ۱۹
- ۲۲- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۷۶
- ۲۳- آمدی، عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم. ترجمه حاج محمدعلی انصاری. ص ۶۲۵
- ۲۴- رک به = شریعتی، علی؛ بازگشت به خویشتن
- ۲۵- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۱۴۷
- ۲۶- مطهری، مرتضی. انسان در قرآن. انتشارات صدرا. قم. ص ۶۹
- ۲۷- کریمی، یوسف. همان منبع. ص ۲۸۲
- ۲۸- اتکینسون، ری‌تال و دیگران. همان منبع. جلد اول. ص ۱۶۴ و ۱۶۵
- ۲۹- مان، نرمان ل. اصول روانشناسی. ترجمه و اقتباس دکتر محمود ساعتچی، چاپ هفتم. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۳. جلد اول. ص ۲۲۰
- ۳۰- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۷۲۹
- ۳۱- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۵۶۲
- ۳۲- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۱۶۶
- ۳۳- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۱۶۸
- ۳۴- شریعتمداری، علی. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. چاپ چهارم. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۹. ص ۳۳
- ۳۵- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۶۵۲
- ۳۶- بی‌ریا، ناصر. ره‌نما، سیداحمد و دیگران. روانشناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی. چاپ اول.

- سمت. تہران. ۱۳۷۵. جلد دوم. ص ۹۷۶
- ۳۷- شریعتمداری، علی. همان منبع. ص ۱۰۱
- ۳۸- بلخی رومی، جلال الدین محمد. همان منبع. ص ۲۵۶
- ۳۹- کریمی، یوسف. همان منبع. ص ۲۸۳
- ۴۰- بلخی رومی، جلال الدین محمد. همان منبع. ص ۱۲۸
- ۴۱- شعبہ الحرائی، ابی محمد حسن. تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری. کتابفروشی اسلامیہ. تہران. ۱۴۰۰. ص ۳۷۲
- ۴۲- فرامرز قراملکی، احد. همان منبع. ص ۱۷۰ و ۱۷
- ۴۳- ہیک، جان. فلسفہ دین. ترجمہ بہرام زاد. چاپ اول. انتشارات بین المللی الہدی. تہران. ۱۳۷۲. ص ۱۷۶
- ۴۴- ہیک، جان. همان منبع. ص ۱۷۱ و ۱۷۵
- ۴۵- قرآن کریم. سورہ یونس. آیہ ۳
- ۴۶- قرآن کریم. سورہ مائدہ. آیہ ۷۲
- ۴۷- قرآن کریم. سورہ آل عمران. آیہ ۶۲
- ۴۸- قرآن کریم. سورہ کہف. آیہ ۱۳
- ۴۹- شریعتمداری، علی. همان منبع. ص ۳۳
- ۵۰- مطہری، مرتضیٰ. انسان کامل. انتشارات صدرا. تہران. ۱۳۷۲. ص ۵۲
- ۵۱- بی ریا، ناصر. رہنما، سید احمد و دیگران. همان منبع. ص ۵۸۱
- ۵۲- بی ریا، ناصر. رہنما، سید احمد و دیگران. همان منبع. ص ۹۷۳
- ۵۳- اتکینسون، ریتال و دیگران. همان منبع. جلد اول. ص ۲۵۳
- ۵۴- شریعتمداری، علی. همان منبع. ص ۱۹۶
- ۵۵- اتکینسون، ریتال و... همان منبع. جلد دوم. ص ۳۴۵
- ۵۶- شریعتمداری، علی. همان منبع. ص ۱۳
- ۵۷- بلخی رومی، جلال الدین محمد. همان منبع. ص ۴۳
- ۵۸- اتکینسون، ریتال و دیگران. همان منبع. جلد دوم. ص ۳۵۳
- ۵۹- بلخی رومی، جلال الدین محمد. همان منبع. ص ۴۱۷
- ۶۰- کلینی رازی، ابی جعفر محمد. الاصول من الکافی. صححہ و علق علیہ علی اکبر الغفاری. دارالکتب الاسلامیہ. تہران. ۱۳۸۸ هـ. ق. الجزء الاول. ص ۴۴
- ۶۱- مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. الطبعة الثالثة المصححة. دار احیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۰۳ هـ. ق. الجزء الثاني. ص ۳۸
- ۶۲- کلینی رازی، ابی جعفر محمد. همان منبع. الجزء الثاني. ص ۷۸
- ۶۳- بلخی رومی، جلال الدین محمد. همان منبع. ص ۷۲۰
- ۶۴- بلخی رومی، جلال الدین محمد. همان منبع. ص ۷۲
- ۶۵- قرآن کریم. سورہ مائدہ. آیہ ۳۱
- ۶۶- سیف، علی اکبر. روانشناسی تربیتی. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه پیام نور. تہران. ۱۳۷۰. ص ۳۴۷
- ۶۷- قرآن کریم. سورہ احزاب. آیہ ۲۱
- ۶۸- مجلسی، محمدباقر. همان منبع. الجزء الثالث والعشرون. ص ۱۰۶

- ۶۹- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۲۳
- ۷۰- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۳۱۲
- ۷۱- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۱۳۳
- ۷۲- سیف، علی‌اکبر. همان منبع. ص ۱۷۶
- ۷۳- شهیدی، سیدجعفر. تاریخ تحلیلی اسلام. چاپ دوم. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۶۳. ص ۱۰۸
- ۷۴- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۵۶۵
- ۷۵- اتکینسون، ریتا ل و دیگران. همان منبع. جلد دوم. ص ۱۵۸
- ۷۶- اتکینسون، ریتا ل و دیگران. همان منبع. جلد دوم. ص ۱۶۷ و ۱۶۸
- ۷۷- ارونسون، الیوت. روانشناسی اجتماعی. مترجم دکتر حسین شکرکن. چاپ نهم. انتشارات رشد. تهران. ۱۳۷۴. ص ۲۴
- ۷۸- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۲۰۵
- ۷۹- ارونسون، الیوت. همان منبع. ص ۳۵
- ۸۰- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۸۳
- ۸۱- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۱۶۰
- ۸۲- هیک، جان. همان منبع. ص ۲۲
- ۸۳- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۳۱۸
- ۸۴- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۶۰۰
- ۸۵- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۷۳۶
- ۸۶- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۹۹۷
- ۸۷- ارونسون، الیوت. همان منبع. ص ۷۹
- ۸۸- قرآن کریم. سوره بقره. آیه ۱۱۱ و سوره نمل. آیه ۶۴
- ۸۹- قرآن کریم. سوره نساء. آیه ۸۲
- ۹۰- قرآن کریم. سوره انبیاء. آیه ۲۲
- ۹۱- سبحانی، جعفر. مدخل مسائل جدید در علم کلام. قم. ۱۳۷۵. ص ۱۰

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- القرآن الکریم
- ۲- آمدی، عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم. ترجمه حاج محمدعلی انصاری
- ۳- اتکینسون، ریتا ل. اتکینسون ریچارد س. هیلگارد، ارنست ر. زمینه روانشناسی زیر نظر و به ویراستاری دکتر محمدنقی براهنی. گروه مترجمان. چاپ هشتم. انتشارات رشد. تهران. ۱۳۷۳
- ۴- ارونسون، الیوت. روانشناسی اجتماعی. مترجم دکتر حسین شکرکن. چاپ نهم. انتشارات رشد. تهران
- ۵- استیس، والتر ترنس. دین و نگرش نوبن. ترجمه احمدرضا جلیلی. چاپ اول. انتشارات حکمت. تهران. ۱۳۷۷
- ۶- یارپور، ایان. علم و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۶۲
- ۷- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. مثنوی معنوی. به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سروش. چاپ اول.

- شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۷۵
- ۸- بی‌ریا، ناصر. رہنما، سیداحمد و دیگران. روانشناسی رشد (۲) با نگرش بہ منابع اسلامی. چاپ اول. سمت. تهران. ۱۳۷۵
- ۹- دورانت، ویل. تاریخ تمدن. مترجمان: احمد آرام، ع پاشایی، امیرحسین آریانپور. چاپ سوم. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. تهران. ۱۳۷۰
- ۱۰- سبحانی، جعفر. مدخل مسائل جدید در علم کلام. قم. ۱۳۷۵
- ۱۱- سیف، دکتر علی‌اکبر. روانشناسی تربیتی. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران. ۱۳۷۰
- ۱۲- شریعتمداری، علی. اصول و فلسفہ تعلیم و تربیت. چاپ چہارم. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۳
- ۱۳- شعبہ الحرائی، ابی محمدحسن. تحف العقول. تصحیح علی‌اکبر غفاری. کتابفروشی اسلامیہ. تهران. ۱۴۰۰ھ. ق.
- ۱۴- شہیدی، سیدجعفر. تاریخ تحلیلی اسلام. چاپ دوم. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۶۳
- ۱۵- طباطبائی، سیدمحمدحسن. تفسیر المیزان. ترجمہ سیدمحمدباقر موسوی ہمدانی. بنیاد علمی و فرهنگی علامہ طباطبائی. جلد ہشتم
- ۱۶- فرامرز قراملکی، احد. ہندسہ معرفتی کلام جدید. چاپ اول. مؤسسہ فرهنگی دانش و اندیشہ معاصر. تهران. ۱۳۷۸
- ۱۷- کریمی، یوسف. روانشناسی اجتماعی. چاپ ہفتم. دانشگاه پیام نور. تهران. ۱۳۷۵
- ۱۸- کلینی رازی، ابی جعفرمحمد. الاصول من الکافی. صححہ و علق علیہ علی‌اکبر الغفاری. دارالکتب الاسلامیہ. تهران. ۱۳۸۸ھ. ق.
- ۱۹- مان، نورمان ل. اصول روانشناسی. ترجمہ و اقتباس دکترا محمود ساعتچی، چاپ ہفتم. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۳، جلد اول
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. الطبعہ الثالثہ المصححہ. دار احیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۰۳ھ. ق. الجزء ۲ و ۲۳
- ۲۱- مطہری، مرتضی. انسان در قرآن. انتشارات صدرا. قم.
- ۲۲- مطہری، مرتضی. انسان کامل. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۲
- ۲۳- مطہری، مرتضی. فطرت. چاپ اول. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۶۹
- ۲۴- وایتہد، آلفرد نورث. سرگذشت اندیشہ ہا. ترجمہ دکترا عبدالرحیم گواہی. چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۷۶
- ۲۵- ہیک، جان. فلسفہ دین. ترجمہ بہرام راد. چاپ اول. انتشارات بین‌المللی الہدی. تهران. ۱۳۷۲
- ۲۶- ہیوم، رابرٹ. ا. ادیان زندہ جہان. ترجمہ دکترا عبدالرحیم گواہی. چاپ اول. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۶۹





پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښکې
پرتال جامع علومو انسانی